

دستور عدم پرداخت وجه چک

اکبر پیروفر

بر طبق ماده ۳ قانون صدور چک، صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن، معادل مبلغ مذکور در چک، در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده، به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد، و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم کند که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن، از پرداخت وجه چک خودداری نماید.

تکالیفی که در این ماده برای صادرکننده مقرر شده است، عبارتند از:

۱- داشتن موجودی در حساب جاری در تاریخ چک.

۲- از بانک خارج نکردن تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده.

۳- ندادن دستور عدم پرداخت وجه چک صادر شده به بانک محال علیه.

۴- عدم تنظیم چک به صورت‌هایی که بانک از پرداخت وجه آن خودداری کند.

موضوعی که در این نوشته مطرح و بررسی می‌شود، دادن دستور عدم پرداخت وجه چک صادر شده توسط صاحب حساب (صادرکننده) و منصرف از ماده ۱۴ قانون صدور چک می‌باشد. به عبارت دیگر، صادرکننده، دلیل و علتی را برای دستور عدم پرداخت ذکر نمی‌کند و بانک محال علیه هم تکلیفی به آگاه شدن از علت صدور چنین دستوری ندارد.

در باره این مساله دو فقره اظهار نظر از طرف اداره حقوقی دادگستری (فعالاً اداره حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه) وجود دارد که به آنها اشاره می‌شود:

اظهار نظر اول مربوط به استعلام شماره ۲۰۲۰ کد ۱۴۶۰ مورخ ۶۰/۱۱/۲۸ بانک تجارت می‌باشد که نظریه مشورتی به شرح زیر اعلام شده است: با توجه به مواد ۲ و ۳ و ۶ و ۱۳ قانون صدور چک، مصوب ۱۳۵۵ دستور عدم پرداخت وجه چک از ناحیه صادرکننده، در هر حال، برای بانک محال علیه لازم‌الرعایه است، منتها اگر دستور صادرکننده بر عدم پرداخت بدون ذکر علت باشد، موضوع مشمول ماده ۶ است و اگر دستور مزبور با تصریح جهات مذکور در ماده ۱۳^(۱) باشد، موضوع مشمول مقررات ماده ۱۳ (ماده ۱۴ فعلی) قانون صدور چک خواهد بود، ولی اگر این درخواست از طرف دارنده یا ذینفع صورت گیرد، باید به یکی از علل مذکور در ماده ۱۳ (ماده ۱۴ فعلی) باشد.

یادآور می‌شود که در تاریخ اعلام نظر فوق، مطالب مندرج در ماده ۳ فعلی در ماده ۲ درج شده بود و ماده ۶ چنین مقرر می‌داشت: هر کس مرتکب تخلف مندرج در ماده ۲ گردد، به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا دو سال و حسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه چک یا یک چهارم کسر موجودی هنگام ارایه چک محکوم خواهد شد. در نتیجه، صدور دستور عدم پرداخت مستوجب کیفر صادرکننده چک می‌گردید.

اظهار نظر دوم به شماره ۷/۲۸۲۷ مورخ ۱۳۷۰/۵/۲۱ خطاب به اداره نظارت بر بانک‌ها (بانک مرکزی) مطابق متنی است که در سال ۱۳۶۰ صادر شده است. اداره نظارت بر امور بانک‌های تجاری (بانک مرکزی) ضمن نامه شماره ۴۷۰۴ مورخ ۷۹/۸/۳۰ به عنوان بانک‌ها چنین مقرر داشته است: «... در مواردی که صاحب حساب (صادرکننده چک) صرفاً با استفاده از مفاد ماده ۳ قانون صدور چک کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک صادر می‌نماید، بانک مجاز به پرداخت وجه چک نخواهد بود. در این گونه موارد لازم است وجه چک توسط صاحب حساب نزد بانک تأمین شده و در گواهینامه عدم پرداخت که به این منظور صادر می‌گردد، می‌بایست به صدور دستور عدم پرداخت توسط صاحب حساب تصریح گردد. بدیهی است پرداخت اینگونه چک‌ها (که وجه آن تأمین شده است) موکول به تعیین تکلیف قطعی آنها توسط مراجع قضایی یا عدول صاحب حساب از دستور صادره خواهد بود...»

در باره مواردی که صادرکننده چک دلیل و علتی را برای دستور عدم پرداخت وجه چک ذکر نمی‌کند و بانک محال علیه هم تکلیفی به آگاه شدن از علت صدور چنین دستوری ندارد، دو فقره اظهار نظر حقوقی وجود دارد.

در نامه دیگری به شماره ۵۷۵۱ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۱ خطاب به یکی از بانک‌ها چنین بیان عقیده کرده است: «با توجه به مفاد عبارت: هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده ۳ پرداخت نگردد، در ماده ۴ قانون چک، و عنایت به اینکه یکی از علل عدم پرداخت مندرج در ماده ۳ دستور عدم پرداخت صادرکننده است و نظر به مفاد عبارت «در صورتی که وجه چک در بانک تأمین نشده باشد» در ماده ۱۸ و با عنایت به روح قانون و دلیل عقلی اینکه چنانچه

قضایی شده که اگر نتواند اتهام انتسابی را ثابت نماید، دستور مرجع قضایی برای رفع مانع پرداخت وجه چک لازم‌الرعایه شماره شده است، در نتیجه، درباره دستور عدم‌پرداخت ماده ۳ که مخصوص صادرکننده چک می‌باشد، انصراف وی از دستور عدم‌پرداخت وجه چک می‌تواند کافی باشد.

اخیراً بر اثر شکایت سازمان بازرسی کل کشور به دیوان عدالت اداری، بخشنامه شماره ۴۷۰۴ مورخ ۷۹/۸/۳۰ در دیوان مذکور مطرح و منتهی به صدور رای هیات عمومی شده است. سازمان بازرسی کل کشور دستور صادره از سوی اداره نظارت بر امور بانک‌های تجاری (بانک مرکزی) را به دلایل زیر مغایر با قانون دانسته است:

۱- در ماده ۳ قانون چک تصریح شده است که صادرکننده چک باید در زمان صدور، معادل مبلغ چک در بانک محال‌علیه محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد و نباید دستور عدم‌پرداخت وجه چک را بدهد.

عواقب صدور دستور عدم‌پرداختی که بی‌وجه و بی‌دلیل باشد و موجبات ضرر و زیان دارند چک را فراهم نماید، متوجه صادرکننده چک خواهد بود.

۲- جز در موارد مقرر در ماده ۱۴ قانون مرقوم، صادرکننده چک حق ندارد دستور عدم‌پرداخت به بانک محال‌علیه بدهد.

۳- با عنایت به مفاد تبصره ۲ ماده فوق‌الذکر (در صورت استناد صادرکننده چک به یکی از موارد مذکور در ماده ۱۴) دستوردهنده مکلف است حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود به مراجع قضایی را به بانک تسلیم نماید. در غیر اینصورت، پس از انقضای مدت مذکور، بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک، وجه آن را پرداخت می‌کند.

۴- بخشنامه صادره پرداخت وجه چک را موکول به تعیین تکلیف قطعی آن توسط مراجع قضایی یا عدول صاحب حساب از دستور صادره نموده، بدون اینکه مدت زمان مشخصی را برای توقف پرداخت تعیین کرده باشد و یا اینکه دستوردهنده را مکلف به طرح شکایت کرده باشد که این مغایر نظر قانونگذار می‌باشد.

به بانک محال‌علیه صادر نماید. درباره موضوع نداشتن محل در حساب جاری صادرکننده چک که دستور عدم‌پرداخت داده، دو مطلب به نظر می‌رسد: یکی اینکه، بانک مجاز باشد که چنین دستوری را نپذیرد، چون دستور عدم‌پرداخت در ظاهر برای موردی است که وجه چک در حساب جاری موجود بوده است؛ دیگری اینکه، اعتبار دستور عدم‌پرداخت محدود به زمانی نیست که در وقت وصول آن به بانک، حساب جاری موجودی نداشته، بلکه شامل آینده هم هست که هرگاه بعداً حساب موجودی پیدا کرد، باز هم طبق دستور صاحب حساب وجه چک مذکور در صورت ارایه به بانک قابل پرداخت نخواهد بود. در این حالت، ضرورتی به تامین وجه چک نزد بانک وجود نخواهد داشت، کما اینکه همان اداره (بانک مرکزی) در مورد صدور دستور عدم‌پرداخت موضوع ماده ۱۴ و در صورت نبودن محل، تامین وجه در حساب جاری را نپذیرفته

حساب صادرکننده چک فاقد موجودی باشد، پذیرش دستور وی مبنی بر عدم‌پرداخت چکی که به خودی خود قابل پرداخت نیست، موجه نخواهد بود، بنابراین چنانچه صادرکننده به دلیل غیر از موارد مندرج در ماده ۱۴(۱۲) قانون چک دستور عدم‌پرداخت صادر می‌نماید، موظف است وجه چک را نزد بانک تامین نماید...

یادآور می‌شود که ماده ۱۸ مذکور در نظریه فوق قبل از تغییرات و اصلاحات قانون صدور چک می‌باشد. ضمناً همانطور که اشاره شد، ماده ۶ مذکور در اظهار نظرهای اداره حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه چنین بود: «هرکس مرتکب تخلف مندرج در ماده ۲ گردد، به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا دو سال و حسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه چک یا یک چهارم کسر موجودی هنگام ارایه چک محکوم خواهد شد.»



▲ شرایط و پیامدهای دستور عدم‌پرداخت یک چک چیست؟

است (نامه شماره ۴۰۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۹ مستند به نظریه کمیسیون حقوقی بانک‌ها).

علاوه بر مراتب بالا، احاله‌دادن رفع مانع پرداخت به دستور مرجع قضایی، خاص موردی است که دستوردهنده معتقد به وقوع جرمی بوده که مساله مربوط به ماده ۱۴ می‌شود. بدیهی است که چون در این ماده دستوردهنده راهنمایی به مراجعه به مرجع

با این ترتیب، قبول درخواست عدم‌پرداخت وجه چک از سوی صادرکننده و بدون توجه به ممنوعیت صدور چنین دستوری، با عنایت به اینکه ضمن ماده ۶ برای تخلف از ماده ۲ کیفر تعیین شده بود، قابل توجیه بوده و در نتیجه، خارج از موارد مندرج در ماده ۱۳ سابق و ماده ۱۴ فعلی، صادرکننده با قبول عواقب کار می‌توانست دستور عدم‌پرداخت وجه چک مشخصی را

بنا به مراتب، بخشنامه صادره برخلاف مستندات اشعاری و در معنا سلب حق دایمی اشخاص ذینفع در اخذ وجه چک (موجود در بانک) و تکلیف خلاف قانون بر دارندگان چک‌ها جهت مراجعه به مراجع قضایی (جهت اخذ حکم قطعی) و نتیجتاً منشأ ورود پرونده‌هایی توسط اشخاص به محاکم می‌گردد که ابطال آن مورد استدعاست.

نکاتی که درباره ایرادهای چهارگانه عنوان شده از سوی سازمان بازرسی کل کشور به نظر رسیده، چنین است:

● تخلف صادرکننده چک از ماده ۳ قانون صدور چک و دادن دستور عدم پرداخت چک به بانک، مشابه هر عمل خلاف قانونی است که شخص مرتکب آن می‌شود. متضرر از این دستور، یعنی دارنده چک می‌تواند به مرجع قضایی مراجعه و تظلم و دادخواهی بنماید (بند ۱). بسیاری از اعمال منع قانونی دارد، ولی افراد مرتکب آن می‌شوند. دادگستری نیز برای رسیدگی به این قبیل مسایل و احقاق حق تاسیس شده است.

● موارد احصا شده در ماده ۱۴ به جز ادعای مفقود شدن چک که جنبه کیفری ندارد، سایر موارد، ادعای وقوع جرم است که اثبات آن هم به عهده دستوردهنده می‌باشد، لکن صدور دستور عدم پرداخت جدا از عناوین مرقوم و به هر علتی که خود دستوردهنده، یعنی صاحب حساب می‌داند - فرضاً ورود ضرر و زیان به صاحب حساب در نتیجه پرداخت وجه چک صادر شده - مساله‌ایست که خود صاحب حساب تصمیم می‌گیرد و بانک نمی‌تواند مانع اجرای تصمیم صاحب حساب گردد. موجودی حساب جاری مال و دارایی صاحب حساب است و چون سلطه بر مال خویش دارد، می‌تواند مانع پرداخت وجه چک شود. با توجه به اینکه عواقب صدور دستوری که بی‌وجه و بی‌دلیل بوده و موجبات ضرر و زیان دارنده چک را فراهم نماید، متوجه خود او خواهد بود (بند ۲).

● تبصره ۲ ماده ۱۴ مشخصاً و مصرحاً مربوط به ماده ۱۴ است و ارتباطی با تخلف از ماده ۳ (صدور دستور عدم پرداخت) نمی‌تواند داشته باشد (بند ۳).

● ایراد عنوان شده درباره تعیین تکلیف توسط مراجع قضایی و یا اینکه دستوردهنده مکلف به طرح شکایت باشد، وارد است. رفع مانع از پرداخت وجه چک می‌بایست فقط عدول صاحب حساب از دستور صادره باشد (بند ۴).

اداره نظارت بر بانک‌ها (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره نب/ ۷۴۱۴ مورخ ۸۲/۱۲/۹ اعلام داشته که با مرور اجمالی روی قانون صدور چک مصوب تیرماه ۱۳۵۵ و اصلاحات بعدی آن، دلایلی که صادرکننده چک می‌تواند به استناد و تصریح به آنها به بانک محال‌علیه دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد، در مواد ۲، ۳، ۶ و ۱۳ قانون مذکور قابل ملاحظه است. در طرح پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۸۲/۸/۱۱ به تصویب رسید، بعضی از مواد قانون مذکور اصلاح شده و شماره مواد مورد اشاره به مواد ۳، ۴، ۷ و ۱۴ تغییر کرده است.^(۳)

لازم به ذکر است که دستور عدم پرداخت موضوع ماده ۱۴ اصلاحی، ناظر به مواردی است که صادرکننده چک یا ذینفع یا قایم مقام قانونی آنها، با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگر تحصیل گردیده، می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. ضمناً ضرورت اعلام شکایت دستوردهنده عدم پرداخت به مراجع قضایی ظرف یک هفته مقرر در تبصره ۲ الحاقی به ماده ۱۴ منحصر به همان موارد و جرایمی است که در ماده مرقوم تصریح شده است.

اشاره به این نکته را نیز ضروری می‌دانند که بیش از ۷۵ درصد معاملات کشور با استفاده از چک انجام می‌شود و در بسیاری از موارد متعاملین، به خصوص در بازار، با اختلاف حساب مواجه می‌شوند، به این ترتیب که کالای فروخته‌شده یا خدمات ارائه شده مطابق توافق طرفین نبوده و یا به تعبیر دیگر، نظر صادرکننده چک را تأمین نکرده است. از این رو، هیچ یک از موارد و جرایم موضوع ماده ۱۴ قانون صدور چک مصداق ندارد و چک صادره نیز مفقود نشده است، اما معامله مطابق قصد و نیت متعاملین واقع نشده و در نتیجه، صادرکننده چک اساساً نمی‌تواند به جرایم موضوع ماده ۱۴ استناد نماید و دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. در عین حال، به دلیل اختلاف حساب حاصله به هیچ‌وجه مایل نیست که ذینفع وجه چک را از بانک دریافت نماید مگر آنکه اختلاف حاصله به صورت منطقی و از طریق مراجع صالحه قضایی حل و فصل گردد. با توجه به مراتب فوق، به نظر این اداره مادام که عبارت «یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد» از

متن ماده ۳ اصلاحی قانون صدور چک مصوب ۸۲/۶/۲ مجلس شورای اسلامی حذف نشود، صادرکننده می‌تواند با توجه به مفاهیم ماده مذکور و عرف معمول در معاملات، نسبت به صدور دستور عدم پرداخت وجه چک اقدام نماید و بانک‌های کشور نیز با توجه به الزام مقرر در ماده ۴ قانون مذکور، مکلف به صدور گواهی عدم پرداخت بر همین اساس می‌باشند.

پاسخ اداره نظارت بر بانک‌ها به شکایت مطروحه در مجموع بدون اشکال به نظر می‌رسد، الا اینکه اتفاقاً حذف عبارت «یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد» از متن ماده ۳، راه را برای صدور دستور عدم پرداخت باز می‌کند و صادرکننده چنین دستوری عمل خلاف قانون را مرتکب نمی‌شود. اما از موضوع اختلاف حساب که برای توجیه صدور دستور عدم پرداخت مطرح شده است، برداشت نباید کرد که صادرکننده دستور عدم پرداخت، محمل صدور دستور را اختلاف حساب یا هر علت دیگر ذکر نماید. صدور دستور عدم پرداخت خارج از مفاد ماده ۱۴ نیاز به ذکر علت ندارد، ولو اینکه اختلاف حساب موجب صدور دستور عدم پرداخت باشد.

سرانجام شکایت مطروحه در دیوان در هیات عمومی مطرح شده و دادنامه شماره ۳۶۲ مورخ مهرماه ۱۳۸۳ کلاسه پرونده ۹۰۳/۸۲ به شرح زیر صادر شده است: «قانونگذار به شرح ماده ۱۴ قانون صدور چک، موارد الزام بانک محال‌علیه به عدم پرداخت وجه چک بنا به تقاضای صادرکننده آن را مشخص و احصا کرده است. بنا به مراتب مذکور و اینکه بخشی از مدلول ماده ۳ قانون مزبور مبنی بر منع صادرکننده چک از صدور دستور عدم پرداخت وجه آن به بانک و ضمانت اجرای تخلف از این امر، الزاماً متضمن تکلیف بانک محال‌علیه به اجابت تقاضای صادرکننده چک و امتناع از پرداخت وجه آن به دارنده چک نیست، بنابراین، بخشنامه شماره ۴۷۰۴ مورخ ۷۹/۸/۳۰ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مشعر بر لزوم خودداری بانک محال‌علیه از پرداخت وجه چک به دارنده آن در صورت تقاضای صادرکننده چک بر اساس ماده ۳ قانون مذکور، خارج از حدود اختیارات بانک مرکزی در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و به استناد قسمت دوم قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد. رییس هیات عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی.

نظریه نویسنده نسبت به موضوع، به شرحی است که از نظر خوانندگان گرامی ماهنامه گذشت. هرگاه نظر قانونگذار به منظور استحکام و حفظ اعتبار چک این باشد که عدم پرداخت وجه چک تنها به موارد مذکور در ماده ۱۴، یعنی به علت وقوع جرم به اعلام و تشخیص دستوردهنده منحصر شود، می‌بایست در ماده ۳ تغییراتی داده شود. بدین نحو همانطور که در پایان ماده ۳ ذکر شده، هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد. درباره عدم پرداخت وجه چک خارج از موارد مذکور در ماده ۱۴ هم هرگاه صادرکننده دستور عدم پرداخت وجه چکی را به بانک محال علیه داد، بانک به آن ترتیب اثر ندهد. در مورد چک یا چک‌های مفقود شده، هرگاه این اعلام و ادعا از ناحیه صادرکننده باشد، به نظر می‌رسد که فقط می‌تواند محدود و منحصر به چک سفید و صادر نشده باشد، به این معنی که دارنده دسته چک متوجه می‌شود که یک یا چند برگ از دسته چک وجود ندارد و در وجه کسی هم چک صادر نکرده است، و چون احتمال سوء استفاده از این برگ‌های چک وجود دارد، می‌تواند با تصریح به این که چک سفید مفقود شده و در وجه کسی هم (به صورت حامل یا شخص معین) صادر نکرده است، لذا دستور عدم پرداخت به بانک محال علیه بدهد و بانک می‌بایست این دستور را بپذیرد و از شمول ماده ۱۴ هم خارج تلقی می‌شود. اما هرگاه دستور عدم پرداخت از ناحیه ذینفع باشد، موضوع مشمول ماده ۱۴ و تبصره‌های ۱ و ۲ ماده مذکور خواهد بود. ■

زیر نویس‌ها

۱) در صورتی که صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم‌مقام قانونی آنها، با تصریح به این که چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری تحصیل گردیده، کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد، بانک پس از احراز هویت دستوردهنده، از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارایه چک، بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید. دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده، شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده، ثابت گردد، دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۶ این قانون، به پرداخت یک‌چهارم وجه چک به عنوان خسارت معنوی شاکي و نیز خسارت تأخیر تأدیه (در صورت مطالبه) از قرار صدی دوازده در سال از تاریخ ارایه چک به بانک محکوم خواهد شد.

تبصره: ذینفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد (یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده). در موردی که ذینفع دستور عدم پرداخت می‌دهد، بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستوردهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید.

۲) صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم‌مقام قانونی آنها، با تصریح به این که چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری تحصیل گردیده، می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستوردهنده، از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارایه چک، بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید.

دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده، شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که

موجب عدم پرداخت شده، ثابت گردد، دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون، به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- ذینفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد (یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده). در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می‌شود، بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستوردهنده، در حساب مسدودی نگهداری نماید.

تبصره ۲- دستوردهنده مکلف است پس از اعلام به بانک، شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید. در غیر اینصورت، پس از انقضای مدت مذکور، بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت کند.

تبصره ۳- پرداخت چک‌های تضمین شده و مسافرتی را نمی‌توان متوقف نمود، مگر آن که بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید. در این مورد نیز حق دارنده چک راجع به شکایت به مراجع قضایی طبق مفاد قسمت اخیر ماده ۱۴ محفوظ خواهد بود.

۳) در قانون صدور چک حاکم فعلی، ماده ۶ به مضمونی که در متن مقاله اشاره شده، وجود ندارد. ماده ۶ فعلی تکلیف بانک‌ها به فید نام و نام خانوادگی در روی هر برگ چک را تعیین نموده و ماده ۷ هم کیفر صدور چک بدون محل را ذکر نموده است. ضمناً ماده ۱۸ فعلی هم نوع قرارهای تأمین را مشخص کرده است. بنابراین، عبارت "در صورتی که وجه چک در بانک تأمین نشده باشد" مورد اشاره اداره نظارت بر بانک‌ها در نامه شماره ۵۷۵۱ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۱ در ماده ۱۸ فعلی وجود ندارد.

خواننده گرامی

برای استفاده از خدمات سیستم اشتراک، با شماره تلفن

۸۹۶۵۱۳۵ با ما تماس بگیرید.